

کمیته های انضباطی ملغا باید گردند!

در آغاز سال تحصیلی در دانشگاهها ما دانشجویان شاهد ظهور «لباس شخصی ها» رسمی یا «کمیته های انضباطی» بوده ایم. این کمیته ها تا کنون در چند شهر از جمله در تهران، مشهد، کرمانشاه، کرمان و سنجق برقرار شده اند.

این کمیته ها برخی از دانشجویان را به علل واهی و بی اساس محکوم کرده اند. ظهور «لباس شخصی ها» رسمی در سطح دانشگاهها نمایانگر نگرانی رژیم سرمایه داری در اعتراضات جوانان است. دولت با این اقدام می خواهد صدای اعتراضات آتی دانشجویی را در نطفه خفه سازد. به زعم سران رژیم، سیاست های نزدیکی با دول امپریالیستی نیابستی توسط دانشجویان معترض به مخاطره بیفتد!

پاسخ دانشجویان روشن است: کمیته های انضباطی ملغا باید گردند! اما بدیهی است که دولت و مقامات و مدیران دانشگاهی این اقدام را نخواهند کرد. **بقیه در صفحه ۴**

کوچه های بن بست قیم مابی!

جلال مزینانی

در شماره ی پنجم «نشریه جوان سوسیالیست» من مقاله ای تحت عنوان «نکاتی در مورد قیم مابی سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری» نوشتم. در نقد آن نوشته، «نیما کارگر» که خود را دانشجویی در تهران معرفی کرده، مطلبی نوشته بنام «از کوچه پس کوچه های انزوا» (۱) که در قسمت بحث آزاد سایت «اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی» درج شده است. نوشته حاضر پاسخی است به نوشته نیما کارگر که برای سهولت کار، من آن قسمتهایی از نوشته ی ایشان را که ارزش پاسخگویی دارد را، ابتدا نقل کرده و در ادامه ی هر نقل و قول، پاسخ خود را درج نموده ام.

« نمی بینید که در اعتراضات گذشته منشور سیاسی حزب کمونیست کارگری (به جز دو بندی که مربوط به جدایی دین و دولت بود) را جوانان دانشجو بصورت پلاکارد در دست ها گرفتند و به عنوان خواسته هایشان معرفی کردند؟ نمی بینید که سر بند هایی که با شعار محوری حزب (آزادی برابری) بر سر جوانان بسته شده بود؟ نمی بینید که حتی در نشریات دانشجو حرف های حزب را می زنند؟ و حتی من در چند نشریه دیدم که علنا نام حزب کمونیست کارگری نوشته اند»

بقیه در ص ۲



جوان

سوسیالیست

نشریه اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

<http://www.javaan.net>
javan1378@hotmail.com

شماره ۶
۲۱ مهر ۱۳۸۲

جایزه صلح نوبل و رشوه به اصلاح طلبان حکومتی

بهروز حقیقت فر

کمیته پنج نفره انتخاب صلح نوبل در نروژ، جایزه صلح (۱) سال ۲۰۰۳ را به «شیرین عبادی» بخاطر " تلاشهای وی در راه دموکراسی و حقوق بشر" اعطا نمود. «شیرین عبادی» حقوقدان، قاضی و استاد دانشگاه است که پس از سال ۱۳۷۶، با صراحت هر چه بیشتر سعی نموده از اصلاحات در ساختار حکومت اسلامی، دفاع کند

خانم عبادی یک اصلاح طلب و طرفدار استمرار حاکمیت سرمایه داری اسلامی؛ البته با کمی ویرایش روبنایی در آن می باشد. دیدگاه نظری خانم «شیرین عبادی» نقد بنیادی و ریشه ای تبعیض جنسی نمی باشد، بلکه ایشان سعی دارند با رقیق کردن قوانین و طرح نکات اصلاحی در آن، عمر بیشتری را برای سیستم تبعیض فراهم آورند. پوزهای سیاسی ایی که خانم شیرین عبادی پیش یا پس از دریافت جایزه نوبل صلح از خود نشان دادند، نظیر: دفاع از حقوق زنان، کودکان خیابانی و درخواست آزادی برای زندانیان سیاسی، باز نمی تواند تفکر ایشان را که سعی دارد در بطن تاجر مذهبی به دنبال اصلاحات بگردد را پوشش دهد. اعطای جایزه به خانم شیرین عبادی که همیشه به رفرومیست بودن خود بالیده است، به سخره گرفتن مبارزات مردمی است که سرخورده از اصلاح طلبان، خواستار سرنگونی قهر آمیز رژیم موجود هستند.

بقیه در ص ۲

جایزه صلح نوبل و رشوه به اصلاح طلبان حکومتی

بقیه از ص ۱

غرب برای اینکه روابط خود را با رژیم اسلامی حاکم بر ایران حسنه تر نمایند، خواستار پذیرش یک سری ویرایش هر چند جزئی در نظام سیاسی و اقتصادی حاکم بر ایران، است. یعنی در عرصه سیاسی رژیم سعی کند کلیشه های دموکراتیک، هر چند محدود و دهن پر کن را بوجود آورده و در رابطه با سیاستهای اقتصادی با تغییرات در قوانین کار و پذیرش کامل روابط بین المللی بازار سرمایه، روابط با غرب را تسهیل نماید. اصلاح طلبان همسو با سایر گرایشات حکومتی عملاً با تصویب قوانین مختلف در مجلس گامهای را در این راستا برداشته اند.

بسیاری از سیاستمداران دنیای غرب بر این باور هستند که هنوز می شود روی اصلاح طلبان، حساب کرد و تلاش بیشتری را باید در رابطه با تقویت آنان صورت داد. در همین راستا رابطه های علنی و غیر علنی کشورهای اروپایی و آمریکا، علی رغم جنگ زرگری که با رژیم دربارہ ی تسلیح اش به سلاحهای اتمی آغاز کرده اند، همچنان ادامه دارد. از این رو، دادن جایزه صلح به یکی از اصلاح طلبانی که سعی دارد خود را نمود اسلام مترقی معرفی کند، می تواند کارایی بسیار زیادی در جهت تقویت پیکر مرده ی اصلاحات در ایران، داشته باشد.

سردمداران سرمایه ی جهانی و سرسپردگان داخلی آن از هر گونه انقلاب در ایران هراسناک بوده و خواستار تغییرات سیاسی مسالمت آمیز در نظام هستند. به طور مثال کمیته انتخاب صلح نوبل در بخشی از خطابه ی اعطایی جایزه خود به خاتم عبادی می نویسد که وی " در عصر خشونت،

همواره از روش های مسالمت آمیز دفاع کرده است"

جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی در حقیقت یک رشوه ایی است که به اصلاح طلبان حکومتی پرداخت می شود، تا بر سیاستهای آنان مهر تائید زده شود. سلب اعتماد کامل مردم به اصلاح طلبان، عدم تمایل شرکت عامه در انتخابات دوره بعد مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری در سال بعد، همه و همه عواملی است که اصلاح طلبان حکومتی و حامیان غربی آنها را به هراس انداخته است. بدون شک اعطای جایزه صلح نوبل به یکی از حامیان اصلاحات در ایران می تواند بستر مناسب را برای توهم افکنی مجدد در مردم (به شکل عام) دامن بزند.

۲۰ مهر ماه ۱۳۸۲

پاورقی:

(۱) در تاریخچه جایزه صلح نوبل به افرادی برخورد می کنیم که خود در دوره های مختلف تاریخی با عناوین حکومتی در جنگها و کشتارهای مردم بی گناه و یا بندبازیهای سیاست مابانه شرکت داشته اند نظیر: "جان بوید-اور"، "ارنست بورلاگ"، "جورج مارشال"، "کیسینجر"، "لئو دوک تو"، "مناخم بگین"، "انور سادات". در همین لیست باز ما شاهد اسامی تعدادی از مصلحان اجتماعی هستیم که خواستار رفرم و یا بهبود شرایط در بعضی از روابط حاکم بر اجتماع خود و یا سایر ملتها بوده اند، نظیر: "جین آدامز"، "بالچ"، "پدر پی یر"، "الی ویسل"، "مادر ترزا"، "آلبرت شوايتزر"، "آلبرت لتولی"، "دزموند توتو"، "مارتین لوترکینگ"، "آدولفو پرز اسکووی ول"، "نلسون ماندلا"، "لینوس پالینگ"، و بالاخره "شیرین عبادی". نقطه ایی که می تواند این دو لیست از دریافت کنندگان جایزه صلح نوبل را به هم اتصال دهد، عملکرد آنان در به رسمیت شناختن و فعالیت در چارچوب حکومتهای دورانشان بوده است.

کوچه های بن بست قیم مابی!

بقیه از ص ۱

این هم یکی دیگر از موارد قیم مابی شماسست که می خواهید همه چیز را به نام خودتان ثبت و ربط بکنید. شعارهای دموکراتیک ما جوانان در غیبت نیروهای چپ و کمونیست تا به امروز، بر بستر مبارزات ما شکل گرفته است. جوانان دانشجو (در شکل عام کلمه) در طول بیست و پنج سال حاکمیت ننگین سرمایه داری- آخوندی حاکم بر ایران، از مبارزه و شکست های خود چیز یاد گرفته و سعی نموده اند که شعارهای حداقل خود را به یک سری شعارهای حداکثر ارتقا دهند. ارتقاء انتظارات و مطالبات جوانان به تطلعات و جنبش های توده ایی داخل پیوند خورده است. نگاه کنید به مبارزات جوانان در تیرماه ۱۳۷۸ و خرداد ۱۳۸۲. این مبارزات دارای نقاط ضعف و قوت های زیادی است و هر گونه ارتقا آگاهیهای عامه در تنور حرکتیهای جمعی به دست آمده که متأسفانه هنوز نتوانسته به یک تشکل قدرتمند سراسری جوانان منجر شود. هدف ما تلاش و مبارزه ی مستقل - نه فتوا و دستورالعمل صادر کردن - در راستای ایجاد تشکلات کمونیستی واقعی در بطن مبارزات جوانان داخل ایران است.

" نمی بینید که حتی تحکیم وحدتی ها و دوم خردادی ها هم کمونیسم را با نام حزب کمونیست کارگری می شناسند؟ ..."

دفتر تحکیم وحدتی هایی که از زمان پیدایش خود به جز حمایت در جهت استمرار رژیم کثیف جمهوری اسلامی کاری را از پیش نبرده اند، سعی دارند با یک کاسه کردن مفهوم کمونیسم و حککا، نام کمونیست را به لجن بکشند. چراکه عملکرد حککا آنقدر پر تناقض و غیر واقعی است که دفتر تحکیم وحدتی ها از آن برای ضربه زدن به کمونیسم انقلابی بهره می برند. برای روشن شدن قسمتی از تناقضات حککا مثلاً

نگاه بکنید به هم زدن کنفرانس برلین از یک طرف و فرستادن نامه ی فدایت شوم برای خانم مهر انگیز کار، دفاع از جنبش دانشجویی از یک طرف و به هم زدن سخنرانی منوچهر محمدی در آلمان، دفاع از کمونیزم و برقراری حکومت کارگری از یک طرف و درخواست از سازده رضا پهلوی برای شرکت در کنگره حککا و شرکت در تظاهرات با سلطنت طلبان، صحبت از اختناق و استبداد اسلامی کردن از یک طرف و چاپ کردن توهم برانگیز عکس های سه در چهار رهبران جریان حککا در روزنامه هایشان، و...

دوست عزیز علی رغم حضور در داخل کشور، ما به تمام این مسائل واقف هستیم و به قولی " نخوردیم نون گندم ولی دیدیم دست مردم! "

" اگر به نشریه جوانان کمونیست در شماره هایی که بین ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر منتشر می شد نگاه می کردید این "عدم ارتباط!!!!" را به خوبی می دیدید که چگونه جوانان مشتاق و فعالین کمونیست درون مرزی جنبش کمونیسم کارگری با حزب تماس می گرفتند. کمی (و فقط کمی) منصف باشید. باور کنید که لجن پراکنی، تهمت و افترا و بستن دروغ به حزب کمونیست کارگری روش شرافتمندانه ای برای مطرح شدن نیست "

شما متاسفانه هنوز مفهوم « رابطه ارگانیک» را درک نکرده اید. رابطه ارگانیک به معنی داشتن ده تماس در این شهر و پنج تا در شهر دیگر نیست، که نهایتا از آنها بخواهیم که بیایند و به حزب یا سازمان ما بپیوندند. این برداشت حککا، یک برداشت قیم مابانه و کدخدامانسانه است.

منظور از رابطه ارگانیک در شکل جنبی آن ایجاد محافل و هسته ها و در شکل بالغ آن، برقراری شبکه ایی از ارتباطات بین این تشکلات است. تشکلاتی که قادر هستند در مبارزات جوانان شرکت کرده، آنها را رادیکال نموده و رهبری مادی حرکتها را بدست بگیرند. آیا سازمان جوانان حککا تا به حال توانسته حتا در یک اعتصاب کوچک دانشجویی نقش ایفا کند! قسمتی

از فعالین اتحادیه حداقل می توانند در جواب این سوال بگویند بله، در موارد هر چند مقطعی، ما دخالت کردیم، سازماندهی کردیم و تلاش ما این است که با ارتباط گیری با سایر فعالین جنبش جوانان، مبارزاتمان را سراسری کنیم.

" شما که ساز مان را یک " زانده قیم ماب" توصیف کرده اید و آن را بی ارتباط به جامعه می دانید، چرا حجم زیادی از نشریه ۳ تیرازی تان و سایت فراگیرتان! (کلا کار روزانه تان) را مشغول به اصطلاح نقد این جریان کرده اید؟ آیا این نشان از وحشت روز افزون شما در قدرت گیری کمونیسم و مشخصا کمونیسم کارگری نیست؟ اگر ما بی ربط به جامعه هستیم و صرفا یک زانده هستیم این شلوغ بازی ها و در بوق و کرنا دمیدن ها برای چیست؟ این تناقض را چگونه پاسخ می دهید؟ "

فکر می کنم قسمت عمده ایی از پندار و کردار خرده بورژوا های پر مدعای وطنی در گفتار و نوشتار آنها تجلی می یابد. در همین راستا چاشنی اتهام زنی، هتاسی، فحاشی و پیشگویی قسمت لاینفک عملکردهای خرده بورژوای وطنی است. مثلاً یکی از مواردی که مکتشف ما پیشگویی کرده تیراژ نشریه جوان سوسیالیست است. یعنی تنزل دادن یک عمل انقلابی به محور کمیتهای که در جامعه بورژوایی بر کیفیت ها باید بچرید. یعنی اعتقاد داشتن به نشریات الوان و بی سر و ته که منابع مالی آن در هاله ایی از ابهام باقی می ماند و نویسندگان آن بصورت تمام وقت باید چارچوبهای نشریه خود را بر بستر تفکرات و ایدئولوژیهای عامه پسند قرار دهند. این یعنی مرگ نیروی انقلابی و غرق شدن در هوچی گری و تخیلات من در آوردی.

اما، اگر سازمان جوانان حککا و کلا حککا بی ارتباط به جامعه هستند چرا ما به نقد آنها می پردازیم؟ در تاریخ ۱۵۰ ساله مبارزات جنبش کارگری- کمونیستی جهان، انقلابیون کمونیست در کنار مبارزه بر علیه سرمایه داری با تمام عمده و اکره اش به مبارزه بر علیه جریانات منحرف باصصلاح کمونیست، پرداخته اند چراکه این مبارزات از هم جدایی ناپذیرند.

افشا و نقد جریاناتی مانند حککا که عالمانه جلوی مبارزات خودجوش و مستقل اجتماعی را سد می کنند و یا می خواهند به آنها افسار تشکیلاتی خود را بزنند، صف واقعی کمونیست ها را تقویت می کند. نقد و افشای حککا، نه به معنی توده ایی بودن این جریان است و نه به معنی ترس از این جریان بلکه جریانات این جنبی به مانند امراض و بیماریهای هستند که نیروهای انقلابی باید با پراتیک انقلابی و حقیقی، آن هم در داخل کشور این ویروسهای ناقل بیماری را واکسینه کنند.

مدافعین یک خط انقلابی زمانی روئین تن و جاری می شوند که علاوه بر شرکت در مبارزه طبقاتی، تدوام بخشی به خود سازمانیابی توده ایی، تشکیل شبکه های مبارزاتی و نهایتا حزب واقعی پیشتاز انقلابی، بر سیاستهای مماشست جویانه ی جناح چپ سرمایه داری (مانند حککا) نیز خط بطلان بکشند.

" می گوید جوانان کمونیست در تشکیل سازمانشان هیچ نقشی نداشته اند. و دلیل اصلی آن که وجود اختناق و حاکمیت سرمایه داری جمهوری اسلامی است را به مسخره می گیرید. و آن را "بهانه تراشی" می نامید. دوست گرامی، امید وارم که هیچ وقت چنین اتفاقی برایتان نیفتد، ولی اگر یکبار پایتان به بازداشت گاه ها یا اطلاعات رژیم باز شود و ببینید که چه جهنی است دیگر اینگونه برخورد نمی کنید. در اروپا نشستن و آجوو خنک را سر کشیدن و آنگاه اختناق را بهانه تراشی خواندن کار ساده ای است. خواهشا کمی واقع بینانه برخورد کنید "

ما جوانان سوسیالیست انقلابی با مطالعه دقیق در عملکرد سازمانهای سنتی و قیم ماب چه در مقطع انقلاب و چه در حال حاضر، به این نتیجه رسیده ایم که اکثریت این جریانات منجمله حککا، جریانات عکس العملی و بدون ریشه هستند. شعارهای پر طمطراق و تو خالی سر دادن دلیل بر حقا نیست؛ وجود استبداد آخوندی موجود نباید ما را به دور زدن مبارزات اجتماعی و افسار زدن به آن سوق دهد. جریان حککا دقیقا با ساختن حزبی که نه ماهیت کمونیستی دارد و نه پایه ی

مادی کارگری، دقیقاً در همین مسیر انحطاط گام بر می دارد. نمی شود صرفاً از آنجایی که اختناق شرایط دشواری را برای جوانان مبارز فراهم آورده، ایده های زود ثروتمند شدن را ترویج کرد. نظراتی که در یک تند باد تاریخی بعثت عدم پرورش کادرهای ورزیده و انقلابی و کار صبورانه از ریشه در می آید و نابود می شود. امروز وظیفه تک تک جوانان سوسیالیست انقلابی، کمونیست، چپ و مترقی کار صبورانه و درازمدت است. کار انقلابی و کمونیستی که از کوچکترین تا بزرگترین سطوح مبارزاتی را در بر می گیرد.

در جدیدترین یورش شب آویزان جمهوری اسلامی در خرداد ۱۳۸۲، در کنار چند صد دانشجوی دستگیر شده، تعدادی از فعالین ما بودند که از سوله های آهنی شکنجه در امیر آباد و تازیان های ماموران حفاظت و اطلاعات گذر کرده و سر افراز، بدون پوزهای سیاسی که مقلدین حککا در خارج کشور مطرح می کنند، از آزادی و عدالت اجتماعی نه در خلا بلکه در زندگی واقعی دفاع کردند.

"... سازمان جوانان تنها یک ظرف است. یک ظرف متشکل کننده، که مبارزات هسته های کمونیستی داخل کشوری را حول سیاست های کمونیستی و انقلابی متشکل و متحد کند. لذا حرف کودکانه شما که گفته اید سازمان هیچ اعتقادی به شکل گیری تشکلات خود جوش کمونیستی ندارد، یاوه ای بیش نیست."

سازمان جوانان حککا نمی تواند یک ظرف هماهنگ کننده ی حرکتی مستقل جوانان داخل کشور باشد چراکه این جریان زانده ایی از حزب کمونیست کارگری است. نمی شود با بی اعتنایی و عدم ارتباط با جوانان داخل کشور و بر فراز سر آنها یک تشکل با برنامه و ساختارهای تشکیلاتی در خارج کشور ایجاد کرد.

تشکیلات کمونیستی واقعی جوانان با تاکید بر درک ضرورت ها و واقعیت ها و بر بستر مبارزات جوانان شکل می گیرد. برداشت فعالین حککا از سازمان جوانان

یک برداشت کاسبکارانه است که در آن سعی دارند برای جذب نیروهای جدید به تشکیلات خود، دست به هر عمل حقیری بزنند.

" روشنفکران تشنه و آرزومندی که زاد توشه فکری تنگ مایه شان آنها را در برابر احزابی مانند حزب کمونیست کارگری خلع سلاح کرده است. بورژوازی هستند ... "

این قسمت از نوشته ی مقلد کمونیست به اصطلاح کارگری آینه تمام نمای ماکیاولیسم کور است که می گوید " هر که با ما نیست بر ماست". تفکری که خود را در زندان باورها و تخیلات اش محصور کرده و سعی دارد با خاصیت های خود محوربینی و خودبزرگ بینی، خود را در هر عروسی داماد و در هر تشیع جنازه فقید جا بزند.

کلام آخر:

ما سرنوشت احزاب و سازمانهای پر طمطراق و غیر مرتبط با مبارزات مردم را چه در سطح ایران و چه در سطح جهان مشاهده کرده ایم. جریاناتی که در تندبادهای تاریخی متمیزه و یا نابود شدند. با زانده تراشی و زست های رنگارنگ نمی توان ماهیت کهنه ی نظریات سردمداران حککا را پوشش داد. همانطوری که پیشتر بر آن تاکید کردیم، سازمانیابی و سازماندهی جوانان داخل ایران یک امر صبورانه و طولانی مدت است که بدست خود جوانان انقلابی داخل کشور در جریان است.

اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران، پلاتفرمی است که بر بستر مبارزات جوانان داخل کشور شکل گرفته است. رفقای اتحادیه از بین جوانانی تشکیل یافته اند که بدون شلوغ کارهای متداول چپ نا مربوط و پوپولیستی (نظیر حککا) مشغول سازماندهی و مبارزه هستند. اتحادیه به شکل یک تشکل قییم ماب با مرانامه و اساسنامه های از پیش طراحی شده و یا کپی شده از این یا آن حزب کمونیست فرنگی بوجود نیامده بلکه هر تنوری که تا به امروز در چننه دارد از پراتیک واقعی فعالین این جریان به دست آمده است. هدف فعالین اتحادیه ایجاد یک بلوک

سوسیالیستی واقعی و نه تصنعی در بطن جامعه است و در این راه از هیچ کوششی فرو گذاری نمی کنند. فعالین اتحادیه خواستار الحاق به پیشگام دانشجویی و پیشرو کارگری هستند و بر خلاف نقطه و نظرات حککایی از تشکیلاتشان صرفاً بعنوان ابزار نه هدف بهره می برند.

(۱) متن کامل نوشته ی «نیما کارگر» تحت عنوان «از کوچه پس کوچه های انـــــــزوا»

http://www.javaan.net/bahsazad/Nima_HKK.pdf

کمیته های انضباطی ملغا باید گردند!

بقیه از ص ۱

روش خنثی سازی کمیته های انضباطی: سازماندهی کمیته های مخفی دفاع از خود دانشجویی است. دانشجویان تنها متکی بر نیروی خود و تشکیل کمیته هایی برای خنثی سازی این لباس شخصی ها رسمی می توانند اینها را بی تاثیر کنند. در شرایط کنونی، مبارزه برای خنثی سازی عملیات این کمیته ها، با گسترش آزادی های دمکراتیک گره خورده است.

مانی روشنگر - ۲۰ مهر ۱۳۸۲

جوانان سوسیالیست انقلابی! کارگران و دانشجویان!

- اگر با اهداف ما توافق دارید با ما همکاری کنید!
- نشریه «جوان سوسیالیست» را میان جوانان توزیع کنید!
- مقالات و گزارش های وقایع دانشگاهها و کارخانه ها را برای ما ارسال کنید!
- جبهه ضد سرمایه داری را تقویت کنید!
- گرایش های مماشات جو و اصلاح طلب در درون جنبش دانشجویی و کارگری را افشا کنید!